

لطیفه‌های قرآنی

کرم الله تمری

سه جواب قرآنی به خلیفه دوم

شبی «عمر» مشغول گشت شبانه بود. از کنار خانه‌ای می‌گذشت که ناگاه صدایی از آن خانه شنید. مشکوک شد و از دیوار خانه بالا رفت. دید مردی در کنار زنی با ظرف شرابی نشسته است. گفت: ای دشمن خدا! آیا خیال کردی که خدا تو را می‌پوشاند درحالی که تو مشغول معصیت هستی؟ مرد گفت: ای پیشوای مسلمین! اگر من یک گناه کردم، قطعاً تو مرتکب سه گناه شدی؟ خداوند می‌فرماید: «... ولا تجسسوا...» (در کار دیگران) تجسس نکنید. درحالی که تو تجسس کردی. خداوند می‌فرماید: «... وأتوا البيوت من أبوابها...»؛ واز در خانه‌ها وارد شوید. درحالی که تو از دیوار بالا آمدی. خداوند فرموده: «... فإذا دخلتم بيوتاً فسلّموا...»؛ هرگاه وارد خانه‌ای می‌شوید، سلام کنید. در حالی که تو سلام نکردی و فریاد برآوردی.

سران کفر و نفاق

اعرابی‌ای فرزندش را نزد معلمی آورد تا به او قرآن بیاموزد. پس از مدتی از فرزندش پرسید: به کدام سوره رسیده‌ای؟ گفت: به: «**قل يا أيها الكافرون**» (ای پیامبر) به کافران بگو. اعرابی گفت: در گروه بدی قرار گرفته‌ای. پس از مدتی دوباره از فرزندش پرسید: الان به کدام سوره رسیده‌ای؟ گفت: «**إذا جاءك المنافقون**»؛ هنگامی که منافقان نزد تو آیند. اعرابی گفت: نمی‌پردازی مگر به سران کفر. بهتر است که به چوپانی گوسفندانت پردازی!

تفأل به قرآن و کمک گرفتن از آن

عالم ربانی «حاج شیخ حسن حاتمی» نقل می‌کند: من کتاب ارزشمند قواعد علامه را به امانت از شخصی گرفتم و آن را به «آقا شیخ ابراهیم بروجردی» به امانت دادم تا بعد از سه روز برگرداند. اما او فراموش کرد که از چه کسی امانت گرفته است، من هم فراموش کردم که کتاب را به چه کسی امانت دادم.

مدتها از این جریان گذشت. روزی صاحب کتاب آمد و آن را از من خواست؛ اما من هرچه گشتم، آنرا پیدا نکردم.

بعد از چند روز که از همه جا مایوس شده بودم، با خودم گفتم تفالی به قرآن می‌زنم که این کتاب پیدا می‌شود یا نه؟ هنگامی که قرآن را گشودم، این آیه آمد:

«وإذ يرفع إبراهيم التواعد من البيت...» و نیز به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم پایه های خانه ی کعبه را بالا می‌برد. از اینجا پی بردم که کتاب را شیخ ابراهیم بروجردی امانت داده‌ام.

کلوا واشربوا ولا تسرفوا

سربازی در میدان جنگ مشغول جمع آوری غنایم بود و به هر چیزی که می‌رسید، آن را داخل کیسه‌ای می‌ریخت و با پیدا کردن هر غنیمتی این آیه را می‌خواند:

«فكلوا مما غنمتم حلالاً طيباً...»؛ از آنچه غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید.

سرباز دیگری که ناظر کار او بود، رو به او کرد و گفت: راست می‌گویی؛

ولی این آیه هم هست:

«... كلوا واشربوا ولا تسرفوا...»؛ (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.